

فلاخن

شماره‌ی شانزدهم

ائتلاف

بوروکرات‌ها

و نظامی‌ها

حمید مافی

دو سال پیش و در فضای تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری، در کنار مساله‌ی هسته‌ای ایران و یافتن راهی برای برون‌رفت از آن، خروج نظامیان و به ویژه سپاه پاسداران از اقتصاد هم مساله‌ای مهم بود. چه به روایت رسانه‌ها و فعالان سیاسی و اقتصادی، سپاه در دولت محمود احمدی‌نژاد بر همه‌ی اقتصاد ایران تسلط یافته بود. اگر تا پیش از دوران هشت ساله‌ی احمدی‌نژاد، سپاه تنها در بخش‌هایی از اقتصاد ایران به دنبال یافتن جایگاهی بود، پس از ماجرای دومین فرودگاه بین‌المللی تهران و اپراتور دورم تلفن همراه (ایرانسل) تقریباً کمتر حوزه‌ای از اقتصاد رانتهی ایران از دخالت و نفوذ سپاه مصون ماند.

شرکت‌های زنجیره‌ای به هم پیوسته‌ی پنهان شده در نام‌هایی که کمترین نسبتی با سپاهیان داشت، هم در حوزه‌ی بانکداری بلعنده‌ی ایران دست بالا را پیدا کردند و هم به پیمانکار شماره یک پروژه‌های دولتی تبدیل شدند و هم در واگذاری‌های سهام دولتی به بخش شبه خصوصی، بیشترین سهم را به دست آوردند. در روزگاری که احمدی‌نژاد بر مسند قوه‌ی مجریه‌ی ایران نشسته بود، کمتر روزی را می‌توان سراغ گرفت که رسانه‌های خبری، خبر واگذاری پروژه یا شرکتی دیگر به سپاه را منتشر نکرده باشند. فربه شدن سپاه آن قدر عیان و آشکار بود که محمدرضا باهنر - نایب‌رئیس مجلس - با گرایش فکری نزدیک به موفته‌ی اسلامی هم نتوانست سکوت کند و از شکل‌گیری طبقه‌ی سرمایه‌داران خشن در ایران خبر داد. سرمایه‌دارانی که چند سال بعد، حسن روحانی در مقام رئیس دولت در معرفی آنان گفت؛ هم اسلحه دارند و هم پول و این خطرناک است.

فرش قرمز دولت برای نظامیان

اما برخلاف همه‌ی آن شعارها و وعده‌ها برای بیرون راندن نظامیان از اقتصاد، در آستانه‌ی دو سالگی دولت یازدهم نظامیان در دو سال گذشته نه تنها از عرصه‌ی اقتصاد بیرون رانده نشده‌اند که در سکوت و «ضرورت حمایت همه از دولت»، نقش و سهم بیشتری در اقتصاد به دست آورده‌اند. به منظور دوستی بوروکرات‌ها و نظامیان، حمله‌ی آشکار رئیس دولت به سپاهیان مدتی بعد پس گرفته شد و نزدیکان رئیس دولت و فرماندهان سپاه گفتند که منظور روحانی، هر نهاد دیگری بوده غیر از سپاه پاسداران. چراکه رئیس دولت، معاون اول رئیس دولت، وزیر نفت و مشاور عالی رئیس دولت در مناطق آزاد به ترتیب از نقش بزرگ و مهم سپاه در پیشبرد اهداف دولت سخن گفتند و از سپاه خواستند که در عرصه بماند و به دولت کمک کند.

اکبر ترکان، مشاور رئیس دولت و دبیر شورای مناطق آزاد که در زمان تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری از نظامیان خواسته بود به پادگان بازگردند، خود مشوق و زمینه‌ساز حضور نظامیان در مناطق آزاد شد. او از سپاه خواست که در مناطق آزاد به یاری دولت بیایند و از واگذاری پروژه‌های احداث بندر، فرودگاه و اماکن اقامتی و مسکونی در این مناطق به سپاه خبر داد.

بیژن نامدار زنگنه، وزیر نفت هم در سال گذشته و پس از این که برای مدتی طولانی پرونده‌ی بابک زنجانی را افشاء کرد، در نهایت از ناتوانی دولت در مقابله با سپاه خبر داد و گفت که «سپاه رقیب بخش خصوصی نیست» بلکه همراه دولت است و دولت به حضور سپاه در عرصه‌ی اقتصاد نیاز دارد. دوستی زنگنه و سپاهیان در شرایطی تقویت شد که کسی از نهادهایی که بابک زنجانی را برای پیشبرد پروژه‌های اقتصادی خود به کار گرفته بودند، سراغی نگرفت. (بابک زنجانی که روزگاری خود را بسیجی اقتصادی معرفی کرده بود، به دستور وزیر پیشین نفت - رستم قاسمی - و قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء و به منظور دور زدن تحریم‌های اقتصادی، به کمک نظامیان و دولت پیشین آمده بود. اما در جریان رسیدگی به پرونده‌ی فساد اقتصادی او نشانی از این نهادها و مقامات نیست.)

کمی بعد معاون اول رئیس دولت هم از بدهی پنج هزار میلیارد تومانی دولت به سپاه خبر داد و گفت؛ دولت ۷۰ هزار میلیارد تومان پروژه در اختیار قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء قرار داده که همگی از طرح‌های مهم اقتصادی کشور هستند. معاون اول رئیس دولت از همکاری خوب

قرارگاه خاتم و سپاه پاسداران با دولت قدردانی کرد تا مشخص شود که نظامیان نه تنها به پادگان بازنگشته‌اند که به دلیل نیاز دولت، در صحنه حضور دارند.

حسن روحانی هم که سخنانش در مراسم روز ملی مبارزه با قاچاق کالا و مواد مخدر موجب رنجش فرماندهان سپاه شده بود، به فاصله کوتاهی از سپاه خواست که در امر مبارزه با قاچاق هم به کمک دولت بیاید. نظامیانی که دو برابر اسکله‌های رسمی به ثبت رسیده‌ی دولتی، اسکله‌ی غیرمجاز دارند، قرار است که در مبارزه با قاچاق کالا به سایر نهادهای دولتی کمک کنند. چرا که به گفته‌ی رئیس دولت؛ «شایعاتی را که راجع به سپاه مطرح می‌شود اصلاً قبول ندارم. می‌خواهند سپاه را رقیب مردم قرار دهند اما سپاه رقیب مردم و بخش خصوصی نیست و پیمانکاری مثل پیمانکاران معمولی نیست و نبوده است. سپاه امروز باید پروژه‌های مهمی که بخش خصوصی توان آن را ندارد بر عهده بگیرد.»

در آخرین گامی که برای حفظ منافع سپاه برداشته شده، وزارت بهداشت و درمان تفاهم‌نامه‌ای به ارزش ۵۰۰ میلیارد تومان با «قرب» امضاء کرده است تا نظامیان از حوزه‌ی بهداشت و درمان هم بی‌نصیب نمانند.

خرده‌کاری‌های سپاه

اما اگر تصور کرده‌اید که سپاه تنها به پروژه‌های بزرگی که به روایت مسوولان دولتی، دیگران توان انجام آن را ندارند، بسنده کرده است، سخت در اشتباهید. قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء -قرب- که در دیدرس رسانه‌ها قرار گرفته، زیرپوستی و به واسطه‌ی شرکت‌های اقماری متعدد خود، به پیشروی در همه‌ی حوزه‌ها ادامه می‌دهد. اما این بار بی‌صدا و دور از دیدرس رسانه‌ها و در شهرهای مختلف.

مهرماه سال گذشته استاندار لرستان از بررسی پروژه‌های عمرانی مسکوت مانده در این استان خبر داد و گفت که از پیمانکاران قبلی خلع ید شده و به زودی سرمایه‌گذاران و پیمانکاران جدید پیشبرد این پروژه‌ها را بر عهده می‌گیرند. مدتی بعد مشخص شد که پروژه‌ی پالایشگاه‌های پلدختر و الیگودرز به دو سرمایه‌گذار که یکی از سرمایه‌گذاران قرارگاه خاتم‌الانبیاء و دیگری قرارگاه قائم که زیر مجموعه‌ی قرارگاه خاتم است، واگذار شده‌اند.

قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء هم‌زمان در استان کرمان هم علاوه بر فعالیت چشمگیر در صنعت و معدن، به پروژه‌های شهرداری رسید. شهردار کرمان آذرماه سال گذشته به خبرگزاری مهر گفت: «طی جلسه‌ای که با حضور رئیس قرارگاه در کرمان برگزار شد اجرای سه سری پروژه به قرارگاه خاتم‌الانبیاء واگذار شد. همچنین مقرر شد پروژه‌های صنعت آب و فاضلاب، برق و همچنین پروژه‌های شهری توسط این قرارگاه اجرا شود.» استاندار کرمان در پایان سال گذشته ارزش پروژه‌های قرب در این استان را ۵۰۰ میلیارد تومان عنوان کرده است.

رئیس شورای شهر اراک هم اسفندماه سال گذشته از مذاکره با دو موسسه‌ی رجایی و نور که وابسته به قرب هستند، خبر داد و گفت که واگذاری شش پروژه به این دو موسسه وابسته به قرب به تصویب رسیده است. قرب در شمال ایران و در استان‌های مازندران و گیلان، احداث مجتمع‌های توریستی و تفریحی در مناطق ساحلی را در اختیار دارد. علاوه بر این، آبان ماه سال گذشته یکی از نمایندگان استان مازندران در مجلس شورای اسلامی از واگذاری پروژه‌ی متروی تهران - آمل به قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء و شرکت آبادراهان پارس خبر داد.

حالا اگر می‌خواهید نسبت آبادراهان پارس و سپاه پاسداران را بدانید، به خاطر بیاورید که نیمه‌ی دوم سال گذشته، بخشی از سهام شرکت صدرا به یک شرکت خصوصی و خانوادگی واگذار شد. برادران چوبدار که نام‌شان در فهرست بدهکاران کلان نظام بانکی قرار دارد، مالکان شرکت آبادراهان پارس و بخشی از سهام صدرا هستند و البته شریک اقتصادی پروژه‌های دولتی واگذار شده به سپاه پاسداران.

سپاه پاسداران که پیش از این اعلام کرده بود؛ «در پروژه‌های کوچک شرکت نمی‌کند» حالا با قرارگاه‌های محلی و منطقه‌ای، به روایت مسوولان آن تنها در یک سال گذشته بیش از ۱۵ هزار پروژه‌ی کوچک را در کنار پروژه‌های بزرگی که ارزشی کمتر از ۱۵۰ میلیارد تومان نباید داشته باشند، اجرایی کرده و در سال جاری هم انتظار دارد حداقل ۱۵ هزار پروژه‌ی خرد دیگر را اجرایی کند. سهم سپاه تنها در دو استان سیستان و بلوچستان و خوزستان بیش از دو هزار پروژه‌ی خرد بوده است.

ائتلاف بوروکرات‌ها و نظامیان

دولت یازدهم جمهوری اسلامی را می‌توان بازگشت دوباره‌ی «بوروکرات‌های رانتیر» خواند. همان‌هایی که در دولت هاشمی رفسنجانی زیر عنوان سازندگی و بانام سیاست‌های تعدیل

اقتصادی، هم‌راه ورود نظامیان به اقتصاد را هموار کردند و هم تحت لوای خصوصی‌سازی به منظور مهیا کردن شرایط برای پیوستن به اقتصاد جهانی، اختصاصی‌سازی اموال عمومی را پیش بردند.

بازگشت مجریان سیاست تعدیل اقتصادی به راس قوه‌ی مجریه، پس از یک دهه دوری و در شرایطی که سپاه تقریباً بر همه‌ی اقتصاد ایران غلبه یافته و از دل یک قرارگاه سازندگی چند بانک، صدها شرکت و هزاران پروژه بیرون آمده است، راهی جز پذیرفتن شریک تازه‌ای در همه‌ی امور اقتصادی نمی‌گذارد.

هر دو، هم بوروکرات‌های هوادار تقویت بخش خصوصی مدافع آزادسازی اقتصاد و مشتاق پیوستن به اقتصاد جهانی و هم نظامیانی که باید به باور ایدئولوژیک ظاهری همه‌ی سه دهه گذشته‌شان در جبهه‌ی مخالف دولت بوروکرات‌ها قرار بگیرند، در یک نقطه به هم می‌رسند و همدیگر را در آغوش می‌گیرند؛ جایی که قرار است منافع اقتصادی و رانت به صورت منصفانه میان شرکا تقسیم شود.

دولتی‌ها و هواداران آن شاید شاهد مثال‌های بسیاری داشته باشند برای نشان دادن اختلاف جدی میان دولت و سپاه، اما واقعیت ماجرا آن است که در بودجه‌ی سالانه و واگذاری پروژه‌های دولتی و روند اجرایی کردن توصیه‌های نهادهای بین‌المللی برای بهره‌برداری بیشتر از اقتصاد ایران، سپاه و دولت در کنار هم مشغول تقسیم عادلانه‌ی درآمدهای ارزی حاصل از فروش نفت و هر امر اقتصادی سودآور دیگری هستند.

در چنین شرایطی البته که امید بستن به شفاف‌سازی اقتصادی و کاهش فساد اقتصادی به افسانه می‌ماند. هر دو، چه بوروکرات‌هایی که پیشینه و کارویژه‌شان، فربه شدن در کنار رانت‌های ویژه بوده و هست و چه نظامیان که همه‌ی امورشان محرمانه و غیرقابل نظارت است، دست در دست یکدیگر پروژه‌ی مشترک را پیش می‌برند. تفاوت با گذشته در این است که این بار قرار است همه چیز در سکوت پیش برود و حضور نظامیان در اقتصاد با بهانه‌ی توانایی‌های غیرقابل مقایسه این نهاد و ضرورت همکاری همه برای برون‌رفت از این وضعیت توجیه شود.

منہا ہے